

دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و انگلیس

عابدین سلیمانی

گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

علی اکبر امینی (نویسنده مسئول)

Amini.aliakbar@yahoo.com

گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

شیوا جلال پور

Shiva_jalalpoor@yahoo.com

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شایا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ سال ۱۷ شماره ۶۷-صفحات ۱۱۳-۸۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۵

چکیده:

در طول تاریخ، قدرت نظامی کشورها در روابط بین الملل تعیین کننده بود اما بتدریج قدرت نرم و مخصوصا دیپلماسی فرهنگی به یکی از ارکان اساسی در روابط بین کشورها به منظور نفوذ بر کشورهای مقصد به کمک اقناع و ایجاد جاذبه، افزوده گردید. کشور ایران بنا برشرایط ژئوپلیتیکی همواره مورد توجه بوده است و کشورهای غربی به دنبال نفوذ فرهنگی بر مردم و حاکمان ایرانی بوده اند. هدف این پژوهش بررسی ظرفیت ها و نتایج دیپلماسی فرهنگی بین جمهوری اسلامی ایران و آلمان، فرانسه و انگلیس است. دراین تحقیق تلاش گردید به کمک منابع کتابخانه ای و به روش تحلیلی به آسیب شناسی دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران و سه کشور اروپایی پرداخته شود. پرسش اصلی این است که دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران چه موفقیت هایی بدست آورده است؟ این مقاله این فرضیه را تعقیب می کند که دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، علیرغم فراز و فرودهای آن نتوانسته موفقیت های چشم گیری بدست آورد. دیپلماسی فرهنگی ایران و سه کشور مذکور همواره تحت الشعاع مسائل سیاسی، موضوعات حقوق بشری، هسته ای و اتهام هایی چون حمایت ازگروه های تروریستی و... قرار گرفته است. افزون برآن مشکلات مدیریتی داخلی سبب گردید تا دیپلماسی فرهنگی نتواند بازتاب دهنده ارزش های اصل ایرانی-اسلامی باشد

واژگان کلیدی: دیپلماسی فرهنگی، قدرت نرم، جمهوری اسلامی

۱. مقدمه

در گذشته و تا جنگ جهانی دوم اقتدار و قدرت نظامی کشورها در روابط بین آنها بسیار تعیین کننده بود اما رفته رفته قدرت نرم کشورها به یکی از مشخصه های اصلی اقتدار و توانمندی کشورها تبدیل شد و در این زمینه دیپلماسی فرهنگی به یکی از ابزارهای اصلی قدرت کشورها مبدل گردید. در واقع هدف اصلی دیپلماسی فرهنگی پل زدن و برقراری ارتباط بین فرهنگ های مختلف می باشد .. از نظر مارکس، فرهنگ در جامعه ی صنعتی همچون "ایدئولوژی حاکم" عمل می کند. (صالحی امیری، ۱۳۹۵، ۹۱) یا از دیدگاه متفکران مکتب فرانکفورت «فرهنگ مردمی مدرن» چیزی جز فرهنگ توده ای نیست و این فرهنگ نیز اساساً فرهنگی تجاری یا تجارت زده است که در آن به صورت انبوه تولید و مصرف می شود و مصرف کنندگان آن توده های منفعل هستند و قدرت تشخیص ندارند. یا از دیدگاه های محافظه کارانه، فرهنگ توده ای مدرن را زائده ی جامعه ی توده ای مدرن می داند که خود محصول فرآیندهای پیچیده است. جامعه ی توده ای فضای تازه ای برای فرهنگ سازی ایجاد کرده است که به وسیله ی توده ها اشغال گردیده است. (بشیریه، ۱۳۷۹، ۵۱-۵۴) با توجه به اهمیت موضوع فرهنگ شیوه های مختلفی جهت پیشبرد اهداف دولت ها وجود دارد که برگزاری سیمینارها، کنفرانس ها، همایش ها بزرگداشت ها و دوره های آموزشی، مطالعاتی، بورس های تحصیلی، برنامه های علمی و هنری و ورزشی، تلاش جهت میزبانی رویدادهای بزرگ جهانی، آموزش زبان و ادب، تشکیل کتابخانه و خانه ی فرهنگ، جشنواره های موسیقی، تقویت مراکز مردم شناسی، تشکیل هیات های مذهبی، پراکنده کردن خدمات کنسولی در شهر های مختلف کشور مقصد جهت آشنایی بیشتر با کشور مبدأ، تشکیل گروه های پشتیبان در کشورهای هدف، استفاده از ظرفیت مدارس خارج از کشور و افراد مقیم در کشورهای مقصد، بهره گیری از ظرفیت توریسم، استفاده از بخش خصوصی و فضاهای مجازی و شبکه های ماهواره ای، کالاهای فرهنگی، تبلیغات و ... از جمله مواردی هستند که می توان از آنها در جهت پیشبرد دیپلماسی فرهنگی از سوی کشورها بکار گرفته شوند.

سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و انگلیس موقعیت ویژه ای در نظام بین الملل دارند و از جهات مختلف واجد شرایط کم نظیری هستند ضمن اینکه اما دو کشور فرانسه و انگلیس از کرسی عضویت

در شورای امنیت سازمان ملل برخوردار هستند. تروئیکای اروپایی (آلمان، فرانسه و انگلیس) حاضر نیستند عنان تصمیم‌گیری در عرصه سیاست خارجی را از وزارت خانه های خود خارج نموده و به سطح فراملی منتقل نمایند. با این حال، هر کدام می‌کوشند تا از بروکسل، سکویی برای پرتاب سیاست خارجی خود سازند (کیانی، ۱۳۹۲: ص ۱۸۰-۱۵۱) در گذشته نیز تلاش‌هایی جهت مراودات فرهنگی صورت گرفته است اما در سال‌های اخیر برخی کشورها توجه ویژه‌ای به موضوع دیپلماسی فرهنگی دارند.

این مقاله به لحاظ روشی، متکی بر روش ساختارگرایی می‌باشد. ساختارگرایی شدیداً متأثر از آثاری است که در عرصه‌های زبان‌شناختی ساختاری پدید آمده است. در نزد این گروه از دانشمندان (سوسور، بارت، اشتراوس و...) فرهنگ به مثابه زبان است (صالحی امیری، ۱۳۹۵: ص ۱۴۷-۱۴۸) و در جست‌وجوی ساختارهای پنهان و ناآگاهی است که وجوه مختلف زندگی، بازتولید آن به شمار می‌روند. فرض اصلی ساختارگرایی در مطالعات فرهنگی این است که می‌توان عناصری در پس هر فرآورده‌ی فرهنگی یافت که رابطه‌ای شبکه‌وار با یکدیگر دارند و این روابط، ساختاری کلی را تشکیل می‌دهند که نهایتاً در کانون و هسته پدیده‌ی فرهنگی مورد نظر نهفته است وقتی این ساختار کشف شود، همه‌ی اجزاء را می‌توان به عنوان بازتولید، برحسب آن ساختار توضیح داد. (بشیریه، ۱۳۷۹: ص ۷۰-۶۹) از دیدگاه ساختارگرایان، هر فرهنگی مانند زبان یا گفتار ساختاری اساسی دارد و هر جزء یا فرآورده‌های خاص فرهنگی، تنها در درون کل ساختار معنا می‌یابد، لذا ساختار اساسی و هسته‌ای در مظاهر و فرآورده‌های گوناگون بازتولید می‌شود. (صالحی امیری، ۱۳۹۵: ص ۱۵۰-۱۴۸) به باور سوسور نشانه ترکیبی از دال (تصویر-آوا) و مدلول (مفهوم) است. به هر طریق مهم‌ترین بحث او این بود که نشانه‌ها نماینده‌ای از اشیا یا ابژه‌ی جهان خارج نیستند و پیوند میان یک نشانه و ابژه‌ی جهان خارج قراردادی است. (ریچارد جی، ۱۳۸۹: ص ۲۶) به نظر لوی اشتراوس ساختار یک نظام اجتماعی برای اعضای آن ناآگاه و نامرئی است و کلید کشف آن ساختار را باید در زبان‌شناسی یافت. زیرا زبان و نظام‌های فرهنگی بر

اساس اصول یکسانی بنا شده اند. ریشه ی هر دو در ذهن آدمی نهفته است و هر دو در ساختار ذهن انسان را منعکس می کنند. (بشیری، ۱۳۷۹: ص ۷۴-۷۳) از نظر اشتراک هر جامعه یا فرهنگی دارای ویژگی هایی است که کمابیش در جوامع یا فرهنگ های دیگر وجود دارد. از نظر وی آنچه انسان را می سازد نه طبیعت یا امر طبیعی بلکه بُعد فرهنگی آن است. (صالحی امیری، ۱۳۹۵: ص ۱۵۲)

این نوشتار به کمک منابع کتابخانه ای به جمع آوری داده های مورد نیاز پرداخته و سپس از روش توصیفی و تحلیلی به تجزیه و تحلیل دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران و سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و انگلیس پرداخته شده است.

بحث

پیشینه دیپلماسی فرهنگی ایران و سه کشور آلمان، فرانسه و انگلیس:

مطالعات تاریخی گویای آن است که در طول تاریخ، همواره ایران و فرهنگ و تمدن آن مورد توجه و علاقه ی خارجیان بوده و هزاران نفر از اطراف و اکناف عالم به مطالعه و شناخت ایران و ایرانیان پرداخته اند. اگرچه اولین مسافرت های خارجیان به ایران، شاید دلایل سیاسی داشت، اما همین مسافران به تدریج سنگ بنای ایران شناسی را پایه گذاری کردند. در کنار این گروه، متفکران بزرگی مانند ولتر، روسو، گوته و تولستوی نیز بودند که از دین، فرهنگ و ادبیات ایران الهام گرفته و سنگ بنای اندیشه های سترگ خود را بنا نهادند. عشق ولتر به عطار و جهان معنوی ایران و علاقه عاشقانه گوته به حافظ از این دست است (امیرخانی فراهانی، ۱۳۹۳: ص ۴۴-۴۳). همه ی این موارد نشان دهنده تاثیر مثبت یک شاعر ایرانی را بر شاعران و نویسندگان فرانسوی را نشان می دهد. (صفا، ۱۳۸۳: ص ۲۳۴-۲۲۴) مدارس نظامیه در دوران سلجوقی علاوه بر آن که در دنیای اسلام موجب تحولی شگرف در زمینه ی تاسیس و گسترش دادن فعالیت مراکز علمی گردید، از نظر نظام در دانشگاه های آن دیار معمول و متبع گردید. (مرادی، ۱۳۹۵: ص ۹۰-۸۰)

شاهان صفویه به دلیل وجود دشمن مشترک یعنی عثمانی، در پی تشکیل جبهه ی نظامی مشترکی با کشورهای اروپایی آن زمان (از جمله اسپانیا، اتریش، آلمان، انگلیس و جمهوری و نیز) برآمدند تا بدین ترتیب، اتحادیه غیرعادی میان کشوری مسلمان با کشورهای مسیحی علیه یک کشور مسلمان دیگر شکل گیرد. (دامن پاکی جامی، ۱۳۹۵: ص ۲۸) یکی از اصول اصلی سیاست خارجی شاه

عباس صفوی توسعه ی ارتباط با دنیای غرب بود. (میرزائی، ۱۳۹۳: ص ۱۰۶-۱۰۴) روابط بین ایران و فرانسه از عصر صفوی آغاز و در زمان شاه سلطان حسین با انعقاد قرارداد ۱۷۰۸ و ۱۷۱۵ به اوج خود رسید. پس از صفویان و در دوره ی افشاریان روابط دو کشور در تاریکی مطلق فرو رفت ولی در دوره ی تسلط زندیان به بخشی از ایران گر چه کوشش هایی غیر رسمی برای گسترش روابط تجاری دو کشور صورت گرفت، ولی به نتیجه مثبتی ختم نشد. (فرزادفرهنگیان، ۱۳۸۶: ص ۷۳) پس از دوران پر آشوب میان جانشینان کریم خان زند و در پی آن تسلط آقامحمدخان قاجار بر اریکه قدرت، نخستین تماس های فرهنگی آلمان ها با ایران از طریق اعزام میسیونرهای مذهبی آغاز شد. کشیشانی به همت انجمن مذهبی بازل، که مقر آن در بازل سوئیس قرار داشت، در حدود سال های ۱۸۳۲ تا ۱۸۳۸ به ایران آمدند و در تبریز و ارومیه به فعالیت پرداختند (میرزایی، ۱۳۹۳: ص ۱۱۰-۱۱۱)

فکر اعزام محصل به خارج که علاوه بر فراهم آوردن امکان دسترسی به علوم و فنون غرب، می توانست عاملی برای نفوذ تمدن جدید در کشور باشد، پیوسته مورد علاقه عباس میرزا بود. سفیر انگلیس سرهارفورد جونز که از علاقه ی عباس میرزا به این موضوع آگاه بود پس از خاتمه خدمتش در ایران به حضور عباس میرزا در تبریز رفت و با فرستادن دو دانش آموز به نام های محمد کاظم، پسر نقاش باشی عباس میرزا و میرزا حاجی بابا افشار پسر یکی از افسران عباس میرزا برای فراگیری نقاشی و طب در انگلستان موافقت نمود و آن دو را با خود به انگلستان برد. (شهریاری نیسانی و حیدری، ۱۳۹۴: ص ۷۵) در زمان امیر کبیر معلمان فرانسوی در مدرسه دارالفنون ایران و شاگردان ایرانی در مدارس فرانسه به تعلیم و تعلم مشغول شدند. هفت سال بعد از تأسیس دارالفنون، دولت ۴۲ تن از فارغ التحصیلان کشور را برای آموختن فنون مختلف به فرانسه اعزام کرد. (جمهوری فرانسه، ۱۳۸۶: ص ۲۲۵) زبان فرانسه از قرن نوزدهم میلادی به عنوان نخستین زبان خارجی و اروپایی در ایران شناخته شد و برخی شاهان قاجار و نزدیکان آنان در دربار پادشاهی با این زبان آشنایی داشتند.

سران قاجار از نیمه ی دوم قرن نوزده میلادی در مکاتبات و مراودات خود با سران ممالک مغرب زمین از زبان فرانسه استفاده می کردند. (فرزاد فرهنگیان، ۱۳۸۶: ص ۷۹-۷۳)

اتفاق مهمی که در اواخر قرن نوزدهم سبب گسترش روابط فرهنگی ایران و آلمان تاسیس مدرسه آلمانی و تدریس زبان آلمانی در تهران ۱۹۰۶/۱۲۸۵ با بودجه سالانه پنج هزار تومان و با قرار داد فعالیت بیست ساله بود. حضور ممتد علیقلی خان مضبر الدوله وزیر علوم، تلگراف و معادن مرتضی قلی خان فرزند او که تحصیل کرده آلمان بود، سبب شد باب مراودات فرهنگی و به ویژه تحصیل ایرانیان در آلمان باز شده و عده ای از جوانان ایرانی برای تحصیل در آلمان با تقبل مخارج از سوی امپراتوری آلمان به آن کشور اعزام شوند. (میرزایی، ۱۳۹۳: ص ۱۱۵-۱۱۴)

ظهور فرهنگ مدرن غرب در ایران به طور کلی محصول ارتباطات فزاینده با غرب، اصلاح نظام فرهنگی و اجتماعی ایران از اواخر قرن نوزدهم پیدایش طبقه روشنفکر غرب گراء نوسازی فرهنگی، آموزشی و اقتصادی و اجتماعی توسط دولت پهلوی و ادغام تدریجی ایران در نظام جهانی بود. تحولات به تدریج واکنش فرهنگی گسترده ایجاد کرد که در قالب بازگشت به سنت‌های مذهبی و سیاسی کردن عقاید دینی تجلی یافت. تهدیدهایی که مدرنیسم و فرهنگ مدرن برای مذهب و شیوه زندگی سنتی در زمینه خودآگاهی فزاینده فرهنگی و سنتی ایجاد می کرد، زمینه خودآگاهی فزاینده ی فرهنگی و سنتی را فراهم می ساخت. (بشیری، ۱۳۷۹: ص ۱۴۵) روابط فرهنگی میان ایران و سه کشور اروپایی مذکور در دوره ی پهلوی نیز ادامه داشته است به عنوان مثال می توان به کنگره‌های چندی در ارتباط با فرهنگ و تمدن ایران در عصر باستان برگزار گردید، اشاره کرد. هدف از این کنگره ها گذشته از مطرح ساختن تاریخ و تمدن ایران به ملل دیگر، استوارسازی موقعیت بین المللی رژیم بود. اولین کنگره هنر و باستان شناسی ایران با کوشش کسانی همچون سید حسن تقی زاده و علی اکبر کاشف و تلاش پروفیسور پوپ در فیلادلفیای آمریکا در سال ۱۳۰۶ ش برگزار شد. دومین کنگره بین المللی در این زمینه در لندن در دی ماه ۱۳۰۹ شمسی و با همت پروفیسور پوپ شکل گرفت (فلاح زاده، ۱۳۹۱: ص ۱۶۶-۱۶۳) روابط باستان شناسی ایران و آلمان، یکی از انواع قدیمی روابط فرهنگی دو کشور به حساب می آید. بر اساس موافقت نامه ای که در سال ۱۹۵۹، میان دو

کشور امضاء شد، کارشناسان به شناسایی، کشف و حفاری های باستان شناسی در دو کشور به ویژه ایران مبادرت داشتند. (تال، ۱۳۸۰: ص ۱۷۷)

اولین قرارداد فرهنگی رسمی بین ایران و فرانسه در سال ۱۹۲۹ بین وزیر مختار ایران در پاریس و وزیر فرهنگ جمهوری فرانسه درباره ی برابری ارزش مدرک تحصیلی دو کشور منعقد گردید. در سال ۱۹۳۵ روزنامه فرانسوی زبان (ژورنال دو تهران) که می توان آن را قدیمی ترین روزنامه فرانسوی زبان خاورمیانه دانست در تهران شروع به انتشار یافت. اما روابط ایران و فرانسه از دی ماه ۱۳۱۵ تا خرداد ۱۳۱۷ به دلیل انتشار عکس و مقاله ای در یکی از روزنامه فرانسوی که ایرانی ها آن را توهین به رضا شاه تلقی کردند، قطع گردید. (جمهوری فرانسه، ۱۳۸۶: ص ۱۷۳-۱۷۲)

البته این نفوذ و تاثیرات یک سویه نبود بلکه فرهنگ و تمدن غرب نیز بر جامعه ی ایرانی تاثیر گذاشت. نفوذ فرهنگ غرب که از آغاز قرن نوزدهم به صورت نوینی شروع شد؛ بسیاری از وجوه زندگی فردی و اجتماعی را دست خوش تغییر داد. (نقیب زاده، ۱۳۸۸: ص ۱۸۷).

روابط ایران و سه کشور اروپایی پس از انقلاب ۱۳۵۷:

از نظر نگارندگان این تحقیق و با توجه به محتوی انقلاب و از همان ابتدای انقلاب سال ۵۷ روابط ایران و اروپا در همه ی ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... دست خوش تغییرات جدی و اساسی گردید. دو طرف جهت بهبود روابط فی ما بین، موضوعات مناقشه انگیز را مطرح نمودند که اتحادیه اروپا به خصوص سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه در مذاکراتشان با ایران برای چهار مسئله، داخلی «حقوق بشر»، مسئله منطقه ای «صلح خاورمیانه»، مسئله بین المللی «هسته ای» و مسئله جهانی «تروریسم» اهمیت بسیاری قائل بودند به طوری که هر کدام از این مسائل بر سایر مسائل و موضوعات تأثیرگذار بوده است.

در ژوئن ۲۰۰۳ کشورهای اروپایی با صدور بیانیه ای به ایران هشدار دادند که مذاکرات اتحادیه با ایران مشروطه به پیشرفت ایران در موارد گنگانه حقوق است. که این موارد در کنار بعضی چالش های دیگر باعث وضع چندین هزار تحریم از ابتدای انقلاب تا به امروز شده است

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، شاهد کاهش سطح روابط فرهنگی و به لحاظ سازمانی بین ایران و فرانسه به خاطر اعتراض آنان به اعدام سران حکومت سابق در ایران هستیم همچنین روابط ایران و آلمان به سردی گرایید، ارتباطات فرهنگی بین طرفین با ایجاد محدودیت و احتیاط همراه بوده است. در این ارتباط، پس از پیروزی انقلاب، فعالیت مؤسسه باستان شناسی و انستیتو گوته ی آلمان به خاطر نبود بسترهای قانونی متوقف گشت و موافقت نامه های موجود در این زمینه به حال تعلیق درآمد. (احمدی لفورکی، ۱۳۹۰: ص ۲۰۸)

سیاست دولت موقت

با توجه به تغییرات عمده ایجاد شده پس از بهمن ۵۷ در ایران، سیاست خارجی ایران در دوره ی دولت موقت استمرار سیاسی خارجی قبل از انقلاب بود. با این تفاوت که سیاست نه شرقی نه غربی مورد تأکید قرار گرفته و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توسط خبرگان در دست تدوین بود. دولت موقت سیاست تمایل به غرب را اساس کار خود قرار داده بود و از نفوذ شرق در کشور بیمناک بود. (ایزدی، ۱۳۹۶: ص ۲۶) که همین تفاوت دیدگاه ها در مورد مسائل سیاسی و فرهنگی باعث عمر کوتاه دولت موقت گردید

دوره ی دوم (۱۹۸۰-۱۹۸۸) دهه ی شصت:

دهه ی ۶۰ بیشتر فضای کشور تحت تأثیر فضای آرمان گرایی و مسائلی چون صدور انقلاب، جنگ و ... قرار داشت و اصولاً فضا برای کار فرهنگی بسیار کم بود. زیرا کشور مشکلات و معضلات بزرگتری داشت. فضا امنیتی شده بود و اصلاً موقعیتی برای کارهای فرهنگی نبود این دوره به نوعی با رادیکالیسم همراه بود. براساس آناتومی هر انقلاب، قطار انقلاب همچنان بر روی ریل های مسیر حرکت می کند و در ایستگاه های متوالی، عده ای مجبور به پیاده شدن از موج بسیج توده ها می شوند. در این مرحله، جمهوری اسلامی بر صدور ارزش ها تأکید می کند و میزان ارتباط ایران در نقش یک دولت، با نهضت ها و جنبش ها مورد هدف بود. همچنین با توجه به استمرار جنگ عراق علیه ایران، سعی در یاری رساندن به نهضت های آزادی بخش از مجاری فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و گاهی نظامی محرز بود. (ایزدی، ۱۳۹۶: ص ۲۶)

به دنبال حمایت غربی از صدام و همچنین اشغال سفارت آمریکا توسط نیروهای انقلابی، امکان رابطه‌ی بدون تنش با سایر کشورها از بین رفت. (طارمی و مرادی، ۱۳۹۳: ص ۱۶۶-۱۳۳) روابط ایران فرانسه بین سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ تحت تأثیر جنگ ایران و عراق قرار گرفت. فرانسه در ابتدای تجاوز عراق به ایران فرانسه به دلیل ضعف نیروی انسانی ایران، موضع بی طرفی اتخاذ نمود اما بعد از مدتی کوتاه به حمایت از عراق برخاست. به طوری که بیشترین تسهیلات مورد نیاز عراق را به این کشور ارسال کرد. در سال ۱۹۸۲، ۴۰ درصد صادرات تسهیلاتی فرانسه به عراق صادر گردید. (ایران و اتحادیه اروپا، ۱۳۹۱، ج ۲: ص ۶۳۰-۶۲۹)

در یکی از مهمترین اقدامات آلمان جهت همکاری با ایران، می توان به نقش این کشور در متجاوز اعلام کردن عراق در جنگ ۸ ساله آن کشور با ایران اشاره نمود. اقدامی که بسیاری دیگر از دول اروپایی را به اتخاذ چنین موضعی رهنمون کرد. گنشر وزیر امور خارجه وقت آلمان ضمن حمایت از گزارش دبیرکل وقا سازمان ملل، تأیید نمود که صدام به دلیل تجاوز به ایران باید غرامت جنگی به این کشور بپردازد. نگاه ویژه ی آلمان در جنگ ۸ ساله به ایران چنان بود که خلاف همه کشورهای اروپایی عضو جامعه ی اروپا، آلمان سفیر خود را در تهران باقی نگه داشت. تنها قصور و رفتار سوء آلمانی ها در طول جنگ ایران و عراق، مماشات و سکوت دولت این کشور در برابر اقدام شرکت های آلمان در تجهیز عراق به تسهیلات کشتار جمعی و فروش مواد شیمیایی به آن کشور جهت تولید انواع بمب شیمیایی و نیز آموزش ارتش عراق در استفاده از این تسلیحات است. (کیانی، ۱۳۹۲: ص ۱۸۰-۱۵۱)

دوره ی سوم (۲۰۰۴-۱۹۸۸ دوران سازندگی و اصلاحات):

این دوره با عادی سازی سیاست خارجی بر مبنای ترتیبات منطقه ای و الزامات منافع ملی همراه است. در این دوره، ساز و کار غلیظ کردن ارتباط ایران با دیگر دولت ها و تشدید رقیق کردن رابطه ی ملت با دیگر ملت ها به عنوان دکترین ایجاد منطقه ی نفوذ استمرار می یابد (ایزدی، ۱۳۹۶: ص ۲۷) ایران از دوره ی ریاست جمهوری آیت الله هاشمی رفسنجانی تلاش کرد تا در راستای تحقق

استراتژی سیاست خارجی بهبود روابط با «غرب منهای آمریکا» از آلمان به عنوان دروازه ی ایران به اروپا استفاده کند. (احمدی لفورکی، ۱۳۹۰: ص ۲۱۹) اما حوادثی در داخل و خارج از ایران رخ داد که بر تمام اهداف سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران سایه انداخت به عنوان مثال در سال ۱۳۷۱ در رستوران میکونوس واقع در شهر برلین، چهار نفر کرد ایرانی که از سرکردگان حزب منطقه دموکرات کردستان ایران بودند به ضرب گلوله چند نفر ناشناس کشته شدند و در این رابطه افرادی با ملیت های مختلف دستگیر می شوند که ملیت یکی از آنها ایرانی بود (روحی صفت و همکاران، ۱۳۹۴: ص ۵۲) بدین ترتیب گشوده شدن پرونده های جنایی و تروریستی علیه جمهوری اسلامی در دادگاه های غربی به ویژه دادگاه های اروپایی و محکومیت های آنها باعث شد، ایران یکی از بدترین دوران در مناسبات خود با اتحادیه اروپا سپری کند. (سلیمانی، ۱۳۸۸: ص ۱۳۹-۱۳۸) اما سید محمد خاتمی رئیس جمهور وقت ایران، سیاست تنش زدایی را اقدامی در جهت فراهم نمودن رشد و توسعه داخلی از طریق بهبود مناسبات با دیگر کشورهای جهان می دانست. در سفر آقای هومباخ وزیر فدرال و صدارت عظمای آلمان به تهران که در تاریخ ۱۳۷۸/۱/۲۱ انجام شد، نامبرده در ملاقات های خود با ریاست جمهوری و وزیر امور خارجه وقت، برنامه کشورش برای بازگشایی انستیتو گوته را تکرار و خواستار حمایت ایران گردید (بیات، ۱۳۸۹: ص ج ۱، ۱۶۱) به دنبال دعوت کرهارد شرودر، صدر اعظم آلمان از خاتمی در تاریخ ۲۰ و ۲۱ تیرماه ۱۳۷۹ سید محمد خاتمی در رأس یک هیأت های رتبه از مقامات ایرانی از آلمان بازدید کرد. در این سفر مناسبات دوجانبه، سیاست های منطقه ای و بین المللی و روابط اقتصادی فی مابین مورد بررسی و مذاکره قرار گرفت.... پراهمیت ترین قسمت سفر رئیس جمهور اسلامی ایران به آلمان مراسم شهر وایمار و پرده برداری از بنای یادبود گوته و حافظ بود. (سلیمانی، ۱۳۸۸: ص ۱۴۶-۱۴۵) در طول دو دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی او دوبار در سال ۱۹۹۵ و ۲۰۰۵ به فرانسه سفر کرد که می توان از این مقطع با عنوان اوج رابطه ایران و فرانسه در طول تاریخ دو کشور یاد کرد در واقع گفتمان تنش زدایی توانست نگرش جدیدی نسبت به ایران به وجود آورد. (ایران و اتحادیه اروپا، ۱۳۹۱: ص ج ۲، ۶۳۳)

دوره چهارم (۲۰۰۴ تا ۲۰۱۲):

از نظر نگارندگان در این دوره نه تنها سیاست های فرهنگی دوره های قبل دنبال نشد بلکه با سیاست های دوره ی قبل، مخالفت شدیدی صورت گرفت دیگر از گفت و گوی تمدن ها، تنش زدایی و مراودات فرهنگی خبری نبود.

چهارچوب گفتمان این دوره، عنصر هویت بخش مردم ایران، اسلام است. که البته این به معنای نفی عنصر ایرانیت در تعیین هویت ملی ایران نیست، بلکه حاکی از غلبه ی مولفه ی اسلامیت بر ایرانیت است (ایزدی، ۱۳۹۶: ص ۲۸-۲۷) با روی کار آمدن دولت آقای دکتر احمدی نژاد و ارجاع پرونده ی هسته ای ایران به شورای امنیت در سال ۲۰۰۶، عملاً روابط ایران با اتحادیه اروپا وارد مرحله ی جدیدی شد و تحت تأثیر مسائلی چون هولوکاست و پرنرنگ شدن مسائل حقوق بشر، بسیار سرد و سنگین شد. (احمدی لفورکی، ۱۳۹۰: ص ۶) یکی از موانع و چالش هایی که در روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا بخصوص سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه بحث هولوکاست است. (خالوزاده، ۱۳۹۱: ص ۲۱۲-۱۸۷)

روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فدرال آلمان:

داشتن رابطه حسنه با آلمان همواره می تواند به تأمین منافع ملی و برنامه های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران کمک شایانی نماید از آنجایی که جمهوری فدرال آلمان، پرجمعیت ترین کشور اروپا، چهارمین اقتصاد بزرگ دنیا برحسب تولید ناخالص داخلی، پنجمین اقتصاد بزرگ دنیا برحسب قدرت خرید، دومین صادر کننده و سومین واردکننده بزرگ دنیاست. این کشور به عنوان موتور اقتصادی کالاهای سبز، ۲۰٪ بودجه اتحادیه اروپا و ۸٪ بودجه سازمان ملل (سومین کشور در دنیا از این حیث) را تأمین می کند و در اکثر نهادهای تأثرگذار بین المللی، نظیر ناتو، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) گروه ۷، گروه ۲۰، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، مشارکتی فعال دارد، می تواند نقش مثبتی در پیگیری اهداف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد (احمدی لفورکی، ۱۳۹۰: ص ۱۹۹) قدرت یابی آلمان متحد در دهه ۱۹۹۰ موجب شد، ایران نقش تعیین کننده ای در سیاست جهانی

این کشور ایفا نماید تا آنجا که آلمان با ترغیب کشورهای اروپایی جهت بازکردن باب گفت و گو با ایران فصل جدیدی در روابط اروپا و ایران در چارچوب گفت و گوهای انتقادی و فراگیر نمود (ایران و اتحادیه اروپا، ۱۳۹۱: ص ۲، ۵۸۲) در سال ۱۳۶۷، از سوی وزیران خارجه وقت دو کشور، موافقت نامه فرهنگی به امضاء رسید که به علت مخالفت شدید چهار ایالت آن کشور به دلیل وجود فتوای قتل سلمان رشدی و متعاقب آنان، اقدام مجلس شورای اسلامی بر توقف این موافقتنامه، اجرای آن به حال تعلیق درآمد. در این موافقت نامه، بازگشایی انستیتو گوته در تهران، یکی از مهم ترین خواسته های آلمان بود. با سفر جناب آقای خاتمی که با نام گوته و حافظ قرین بود، فرصت بسیار مناسبی بوجود آمده است تا از سوی دو کشور موانع موجود از سر راه برداشته شوند و حسن نیت و تضمین های لازم و عملی برای گسترش همکاری های دوجانبه نمایان گردند (تال، ۱۳۸۰: ص ۱۸۳-۱۷۵) در راستای فعالیت های فرهنگی همکاری در حوزه های هنری، ورزشی، علمی و پژوهشی افزایش یافت. فعالیت مدارس ایرانی در برلین و فرانکفورت، مرکز اسلامی هامبورگ، آکادمی اسلامی هامبورگ و مراکز و انجمن های فرهنگی و اسلامی متعدد در شهرهای مختلف آلمان نمونه هایی از فعالیت های فرهنگی از طرف ایران است. از طرف آلمان نیز مؤسسه باستان شناسی، انستیتو زبان وابسته به سفارت، انجمن پروتستان، مدرسه آلمانی و نمایندگی خدمات مبادلات دانشگاهی آلمان (DAAP) در ایران فعالیت های فرهنگی و مذهبی خود را دنبال می کند. در عرصه مبادلات علمی نیز همکاری خوبی بین دو کشور دیده می شود و هر سال به شمار دانشجویان ایرانی دانشگاه های آلمان افزوده می شود. (احمدی لفورکی، ۱۳۹۰: ص ۲۰۹-۲۰۸) بخش فرهنگی سفارت جمهوری فدرال آلمان در تهران متولی اجرای سیاست های فرهنگی این کشور در جمهوری اسلامی ایران است. به صورت خلاصه مهم ترین اقدامات فرهنگی آلمان در قبال جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

۱- همکاری دانشگاهی و اعطای بورس های تحصیلی از طریق مؤسسه تبادلات آکادمیک آلمان (DADP)

۲- آموزش زبان آلمانی بنا بر اطلاعات دریافتی از وب سایت سفارت آلمان در تهران، بیش از ۱۰۰ میلیون نفر اروپایی به این زبان تکلم می کنند. سیاست فرهنگی آلمان توسعه هرچه بیشتر و

آموزش این زبان در سراسر جهان است. با توجه به این که انستیتو گوته به عنوان بزرگترین سازمان فرهنگی میانجی آلمانی، آموزش زبان و برگزاری جلسات فرهنگی را عهده دار است و این نهاد در حال حاضر با ۱۴۴ مؤسسه، ۵۰ دفتر و ۲۱۹ مرکز آموزشی در سراسر جهان فعالیت دارد؛ این نهاد فرهنگی می تواند نقش میانجی بین آلمان و ایران در سایر بخش ها را نیز داشته باشد. در گذشته نیز این انستیتو در ایران نیز دایر بود ولی امروزه فعالیت ندارد که بخش فرهنگی سفارت آلمان در تهران به عنوان پل ارتباطی این نهاد، پیگیر برنامه های محدود آن در کشورمان است. در راستای اجرای دیپلماسی فعال فرهنگی، اداره خارجی و مطبوعات وزارت خارجه آلمان، سالانه ۳۷۸ میلیون یورو به این نهاد نیمه خصوصی کمک بلاعوض اعطا می نمایند.

۳- سایر برنامه های فرهنگی-هنری:

-در تاریخ دوم اکتبر ۲۰۰۵ انستیتو گوته با همکاری بنیاد فارسی شناسی، کنسرت موسیقی باشکوهی در شیراز به اجرا درآمد. در این کنسرت گروه موسیقی «ساکس اندهوپ از شهر فرایبورگ حضور داشت.

-مؤسسه باستان شناسی از سال ۲۰۰۰ در پروژه کاوش های باستان شناسی آریسمان-تپه سیلک با باستان شناسان ایران همکاری دارد.

-فعالیت رادیو دویچه وله (صدای آلمان) نیز جزئی از سیاست های فرهنگی و آموزش این کشور در خارج به حساب می آید. حقیقی، ۱۳۸۶: ص ۲۴۲-۲۳۵)

از دیگر سیاست های حمایت گرانه آلمان در قبال ایران که منجر به تبعیت سایر دول اروپایی می شد، درج نام سازمان مجاهدین خلق در فهرست تروریستی آن کشور بود، سیاستی که باعث شد تا اتحادیه اروپا نیز دست به اقدام مشابه بزند. (کیانی، ۱۳۹۲: ص ۱۸۰-۱۵۱)

روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و فرانسه:

فرانسه با توجه اینکه از اعضای عمده اتحادیه اروپا و یکی از اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد به شمار می رود و از سلاح هسته ای و توانمندی های اقتصادی و تکنولوژیک و نیز نفوذ

فرهنگی و قدرت نرم برخوردار است؛ جایگاهی ممتازی در نظام بین الملل دارد (احمدی لفورکی، ۱۳۹۰: ص ۲۷۵) جمهوری اسلامی ایران در روابط خود با فرانسه همواره تلاش کرده به طرف اروپایی این مطلب را القا نماید که خط مشی مطلوب ایران ادامه رابطه با فرانسه با اولویت های اقتصادی، مالی متقابل (منافع) و حذف مواردی است که به زیان حاکمیت و ارزش های فردی دولت جمهوری اسلامی ارزیابی می گردد؛ نظیر مشکلات حقوق بشری در داخل، سلاح کشتار جمعی و حمایت از تروریسم که مدنظر اتحادیه اروپا به صورت اعم و فرانسه به صورت اخص می باشد. (ایران و اتحادیه اروپا، ۱۳۹۱، ج ۲، ۶۲۷)

از بهترین دوران روابط ایران و فرانسه را می توان همان روزهایی دانست که انقلاب اسلامی ایران در حال شکل گیری بود. دولت ژیسکاردستن که سقوط قریب الوقوع شاه را احساس کرده بود و همچنین خود را نیازمند ارتباط با ایران می دانست، عقاید انقلابی مردم ایران را محترم می شمرد. افکار عمومی فرانسه در آن زمان بسیار با روند انقلاب در ایران موافق بود و گه گاه جراید فرانسه، انقلاب ایران را با انقلاب فرانسه تشبیه می نمودند. (جمهوری فرانسه، ۱۳۸۷: ص ۱۷۸) اما بعدها ایراد اتهام حمایت و پشتیبانی از ترورهای انجام شده در فرانسه و نیز بمب گذاری در پاریس که به جنگ سفارت خانه ها منجر شد موجب شد که روابط دو کشور تیره شود. (احمدی لفورکی، ۱۳۹۰: ص ۲۹۵) ولی تمایل فرانسه به فعالیت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران و حفظ موقعیت زبان فرانسه در ایران و گسترش آن و سفر خاتمی به فرانسه بازتاب گسترده ای در مطبوعات داخلی دو کشور داشت و فصلی نو را آغاز نمود. (سلیمانی، ۱۳۸۸: ص ۱۵۶)

برخی از مهم ترین روابط فرهنگی دو کشور عبارتند از:

- تفاهم نامه همکاری فرهنگی ایران و فرانسه در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۷۷
- در حادثه غم انگیز بم، فرانسه در چارچوب کمک به بازسازی این شهر وارد عمل شد. در این راستا، آقای آیاگون وزیر فرهنگ وقت فرانسه در بخمن ماه ۱۳۸۲ به تهران سفر نمود.
- در زمینه همکاری های خبری سه تفاهم نامه همکاری در سال های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ و ۱۳۷۸ به ترتیب در پاریس و تهران به امضاء رسید. (جمهوری فرانسه، ۱۳۸۷: ص ۲۳۰-۲۲۹)

بخش همکاری و فعالیت فرهنگی سفارت فرانسه در تهران (SCAC) در تعیین، تضمین، ساماندهی و پیگیری روابط فرانسه و ایران در زمینه های فرهنگی، زبان شناختی، علمی و فنی مسئولیت گسترده ای دارد و با این عنوان برنامه سالانه ای را به منظور گسترش این روابط تنظیم و اجرا می کند.

مهم ترین برنامه های فرهنگی دولت فرانسه در قبال جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

۱- همکاری های مشترک دانشگاهی و اعطای بورس ها:

۲- آموزش زبان فرانسه:

۳ حضور فیلم های فرانسوی در جشنواره بین المللی فیلم فجر و مشارکت برخی سینماگران سرشناس فرانسه در هیأت داوران این رشته

۴ اجرای موفق کنسرت های موسیقی فرانسوی در تهران، شرکت در نمایشگاه بین المللی کتاب و برگزاری جلسات سخنرانی آموزشی-توجیهی در محل عرضه بخش فرهنگی سفارت و همکاری با ناشران داخلی

ونسان گریمد (vincant Grimaud) رایزن همکاری و فعالیت فرهنگی سفارت فرانسه در تهران درباره روابط فرهنگی بین دو کشور می گوید: ما صرفاً به دنبال معرفی فرهنگ فرانسه در ایران نیستیم بلکه میخواهیم فرهنگ ایرانی نیز به فرانسویان عرضه شود. در حال حاضر در ایران حدود ۶۰ مدرسه و مؤسسه آموزشی داریم که فرانسه تدریس می کنند. صندوق سینمای جنوب به سینماگران ایرانی کمک شایانی نموده است نظیر معرفی افرادی چون عباس کیارستمی. هرچند فیلم های فرانسوی در ایران به مراتب کمتر از گذشته بر روی پرده می رود. (حقیقی، ۱۳۸۶: ص ۲۲۸-

(۲۱۹)

ساختارگرایان بر تأثیرات پیدا و پنهان ساختارهای فرهنگی تأکید ویژه ای دارند و نقش آنها را بسیار بیشتر از افراد می دانند وجود مراکز فرهنگی ایران در فرانسه که نشان دهنده ی فرهنگ و تمدن ایران هستند یکی از این دلایل هستند

روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز تا به امروز شاهد افت و خیزهای بسیاری در روابط بین دو کشور شاهد بوده ایم که عمدتاً به خاطر تأثیر مسائل سیاسی بین دو کشور بوده است از جمله اینکه با اخراج دانشجویان ایرانی مشغول به تحصیل از انگلستان در دی ماه ۱۳۶۸، وزارت فرهنگ و آموزش عالی وقت، اعلام کرد که در صورت ادامه اخراج دانشجویان ایرانی در روابط فرهنگی و علمی خود تجدید نظر خواهد کرد (قربان پور، ۱۳۹۳: ص ۲۳۸) روابط دیپلماتیک بین بریتانیا و ایران بعد از انقلاب اسلامی و به دنبال حمله به سفارت بریتانیا در تهران و به آتش کشیده شدن قسمتی از آن به حالت تعلیق درآمد ولی در سال ۱۹۸۸ مجدداً سفارت بریتانیا در تهران بازگشایی شد. پس از باز شدن سفارت بریتانیا در تهران، یک سال طول نکشید که در سال ۱۹۸۹ و به دنبال فتوی مرگ سلمان رشدی توسط امام خمینی (ره) بار دیگر روابط دیپلماتیک با لندن قطع گردید. در سال ۱۹۹۰ در سطح کاردار روابط دوجانبه بار دیگر برقرار گردید در سال ۲۰۰۲ وقتی دیوید رداوی به عنوان سفیر انگلستان پذیرفته نشد با روابط دو کشور وارد تنش شد. (احمدی لفورکی، ۱۳۹۰: ص ۲۴۸) آنچه که سردی روابط میان ایران و اروپا به طور اعم و انگلستان را به طور اخص را در این دوره بیشتر به طرف انجماد روابط پیش برد، اتخاذ سیاست کشورهای اروپایی و فراخوانی سفرای کشورهایشان از ایران در سال ۱۹۸۹ در برابر اعلام فتوای حضرت امام در قضیه سلمان رشدی بود. در این مقطع قضیه سلمان رشدی مهم ترین عامل بحران در روابط جمهوری اسلامی ایران و اروپا و در رأس آن انگلیس بود. (قربان پور، ۱۳۹۳: ص ۲۱۷-۲۱۶) در کنار اینها موارد تاریخی چون ذهنیت منفی نسبت به انگلیس و حمایت از ادعاهای امارات متحده عربی نسبت به جزایر سه گانه نیز مانع از تقویت روابط دو کشور می شد (سلیمانی، ۱۳۸۸: ص ۱۴۸-۱۴۶) با توجه به جایگاه ایران در منطقه خاورمیانه انگلیسی ها تمایل خود را بر بهبود روابط بین دو کشور نشان داده اند که در این راه مسئولیت فعالیت های فرهنگی دولت بریتانیا در ایران برعهده شورای فرهنگی آموزشی این کشور مرسوم به «شورای بریتانیا» است. سیاست کلی این شورا بهره گیری از مقوله آموزش در جهت گسترش فرهنگ این کشور و نفوذ خارجی آن است. محور فعالیت های شورای انگلیس آموزش زبان انگلیسی است اما این بدان معنا نیست که در سایر عرصه های فرهنگی فعالیتی ندارد.

مجموعه سیاست ها و برنامه های فرهنگی-آموزشی شورای بریتانیا در ایران در پنج حوزه به شرح ذیل می باشند:

۱-فعالیت های مشترک علمی، دانشگاهی و ارتباطات در حوزه پژوهش و آموزش عالی. ۲-خدمات آموزش زبان، اطلاعات تحصیلی و آزمون ها ۳-بورس ها و جوایز علمی ۴-برنامه های هنری مانند فیلم و هنرهای تجسمی ۵ برنامه پیوند آیندگان

در کنار این مطالب باید عنوان شود که آثار هنری و باستانی با ارزش ایرانی در موزه های بریتانیا نگه داری می شود، همچنین نسخ خطی و آثار گران بهایی مانند نسخ خطی شاهنامه و دیوان حافظ و آثاری از ابوعلی سینا و ابوریحان بیرونی و در کتابخانه ملی این کشور موجود می باشد.(حلمی، ۱۳۹۰: ص ۱۱۳-۱۰۸)

موسسات و مراکز فرهنگی ایران در سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه :

با توجه به اهمیت ساختارهای فرهنگی و تاثیرات بلندمدت آن جمهوری اسلامی ایران نیز جهت ترویج فرهنگ، ارزش ها و آرمان های خود اقدام به تاسیس یا ترمیم مراکز و موسسات فرهنگی در اروپا و مخصوصا سه کشور آلمان، فرانسه و انگلیس نموده است که در ذیل به بخشی از آنها اشاره می شود:

آلمان: مهم ترین نهادهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آلمان که با جدیت دنبال می شوند و در این راه بودجه های مناسبی در نظر گرفته می شوند عبارتند از:

-انجمن آلمان و ایران (پرشیا) (Deutsche-persische-Gesellschaft)، این انجمن قدیمی ترین انجمن فرهنگی مربوط به ایرن در آلمان است که در سال ۱۹۲۹ میلادی فعالیت خود را آغاز نموده است لکن با بروز جنگ جهانی دوم، فعالیت آن متوقف شد.

-انجمن فرهنگی ایران (هامبورگ)، که در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۸۳ به همت عمده ای از ایرانیان مقیم آلمان غربی که علاقمند به حفظ ارتباط فرهنگی و مذهبی خود و فرزندان شان با موطن اصلی خود بودند در شهر هامبورگ تأسیس و ثبت شد.

- نمایندگی فرهنگی، رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در برلین فعال است.
- مدرسه ایرانی، در شهرهای برلین، فرانکفورت و هامبورگ در سطح ابتدائی، راهنمایی، متوسطه و پیش دانشگاهی فعال می باشد.
- خانه فرهنگ ایران در کلن که در سال ۱۳۶۹ و با محدودیت موضوعات فرهنگی و آموزشی افتتاح شد.
- کانون معنویت ایران: که در سال ۱۹۹۷ و در شهر بن تأسیس شد.
- بنیاد حافظ، کانون فرهنگی مولانا، انجمن فرهنگی دهخدا، مؤسسه فرهنگی آوا و ... از جمله انجمن های فرهنگی فعال در آلمان هستند.
- انگلیس: مهم ترین موسسه های فرهنگی و علمی جمهوری اسلامی ایران در انگلستان که بعد از انقلاب ۵۷ تأسیس شده اند عبارتند از:
 - دانشگاه آزاد اسلامی در شهر دانشگاهی آکسفورد و در سال ۱۳۸۴ تأسیس شد.
 - مدرسه ایرانی در مقاطع ابتدائی، راهنمایی و متوسطه و پیش دانشگاهی در شهر لندن و در مقاطع ابتدایی که در شهر منچستر فعالیت دارد.
 - کانون فرهنگی ایران در سال ۱۳۶۱ و در شهر لندن تأسیس شد.
 - انجمن دانشجویان ایرانی در انگلیس در سال ۱۳۶۰ و در لندن تأسیس گردید.
- فرانسه: علاوه بر کشورهای فوق جمهوری اسلامی ایران در کشور فرانسه نیز مراکز فرهنگی را دایر نمود تا مروج فرهنگ ایرانی و اسلامی باشند که مهم ترین آنها عبارتند از:
 - مؤسسه مطالعات ایرانی (IEI): در ۱۹۴۷ با هدف ایجاد کتابخانه و مرکز برای تحقیقات ایران شناسی در پاریس تأسیس شد.
 - گروه جهان ایرانی از جمله مؤسسات فعال در خصوص ایران است که در سال ۱۹۹۵ تأسیس شد.
 - مرکز فرهنگی ایران: تنها نهاد دولتی ایران که هم اکنون در پاریس فعال می باشد، خانه فرهنگ ایران است که از سوی دولت فرانسه به عنوان «مرکز فرهنگی ایران» شناخته می شود.
 - ملک نوفل لوشاتو: این ملک از سوی مالک آن به آستان امام خمینی (ره) هدیه شده است.

-مرکز ایرانی بنیاد اسلامی در اروپا: که در سال ۱۹۵۹ و به منظور شناساندن اصول آئین تشیع و فرهنگ شیعی و ایرانی فعالیت داشته است.

-انجمن پژوهش شهر و ادب فارسی و بنیاد مصدق. (بیات، ۱۳۸۹: ص ج ۱، ۳۰۷-۲۳۷)

شبکه های برون مرزی جمهوری اسلامی ایران جهت ارتباط و تاثیرگذاری بر مخاطبین اروپایی: علاوه بر موارد فوق جمهوری اسلامی ایران جهت تاثیر بر مخاطبان خود بر مردم اروپا و از جمله کشورهای مذکور، اقدام به تاسیس شبکه های برون مرزی نموده که مهم ترین آنها شبکه جهانی سحر است، این شبکه در آبان ۱۳۷۶ هجری شمسی (نوامبر ۱۹۹۷ میلادی) به صورت رسمی و تحت عنوان «شبکه جهانی سحر» به عنوان اولین شبکه تلویزیونی جمهوری اسلامی ایران وارد عرصه فعالیت جدید رسانه ای در میان رقبا شد که بخش های انگلیسی، فرانسوی و بوسنیایی آن مخاطبین اروپایی را پوشش می دهد. شبکه جهانی جام جم، آی فیلم و شبکه پرس تی وی از جمله دیگر کانال های ماهواره ای ایران در خارج از ایران هستند. (رزمجو و همکاران، ۱۳۹۵: ص ۱۹۵-۲۱۵)

موزه ها و آثار باستانی و کتاب های باارزش ایرانی در در سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه : با توجه به فرض اصلی ساختارگرایی در مطالعات فرهنگی که می توان عناصری در پس هر فرآورده ی فرهنگی یافت که رابطه ای شبکه وار با یکدیگر داشته باشند و این روابط، ساختاری کلی را تشکیل می دهند که نهایتاً در کانون و هسته پدیده ی فرهنگی مورد نظر نهفته و تاثیرات بلند مدت داشته باشند می توان به ایجاد موزه ها در سه کشور فوق اشاره کرده که آثار تاریخی و باستانی در آنها نگه داری می کنند و سالانه میزبان هزاران نفر از سراسر جهان هستند. رقم بالای آثار باستانی و کتاب های مهم و باارزش ایرانی در موزه ها و کتابخانه های اروپایی خود گواهی بر این مدعاست که در زیر به اختصار به آنها پرداخته می شود:

انگلیس: مهم ترین موزه های انگلستان که در آنها آثار باستانی ایران در آنها نگه داری می شوند عبارتند از:

موزه بریتانیا در لندن: بیش از ۲۰۰۰ قطعه آثار باستانی که مهم ترین آثار آن منشور کوروش کبیر است. مهرهای داریوش، پلاک های ویژه، مجموعه ظروف و کتیبه های ساسانی و گنجینه طلای جیحونی نیز در این موزه نگه داری می شوند.

موزه ویکتوریا و آلبرت در لندن: کلیکسینی از آثار هنری ایران از جمله قالی مشهور اردبیل متعلق به بقعه شاه صفی که عالی ترین قالی ایرانی موجود در جهان است

کتابخانه های ملی و دانشگاهی: یکی از غنی ترین ذخائر کتب خطی نفیس فارسی جهان است. آلمان: مهم ترین موزه های آلمان که آثار باستانی ایران در آنها نگه داری و در معرض دید جهانیان قرار می گیرد عبارتند از:

موزه دولتی برلین: سردر معروف بابل که کوروش کبیر از آنجا وارد این شهر شد. کتابخانه های مختلف نظیر کتابخانه ملی برلین، مونیخ، گوتینگن، هاله، هانور: صدها کتاب و نسخه خطی فارسی نگه داری می شود.

فرانسه: این کشور نیز اشیا و آثار تاریخی ایران را در شرایط ویژه ای نگه داری می کند که شناخته ترین آنها عبارتند از:

موزه لوور (louvre): این موزه دارای عالی ترین گنجینه های آثار باستانی و هنری ایران در جهان است و غالباً منحصر به آثار مکشوفه از شوش هستند.

موزه گیمه پاریس (Guimet): دارای کلیکسینی از آثار تاریخی و هنری ایران و هندوستان و چین هستند.

موزه هنرهای تزئینی پاریس: مجموعه ای از مینیاتورها و آثار نقاشی و ظروف قلمزده ایرانی در آن نگهداری می شود.

موزه مرکزی شهر لیون: کلیکسینی از پارچه های زربافت و ابریشمی ایران از قدیم تا امروز کتابخانه ملی پاریس: مجموعه ای بزرگ از اسناد و نسخ فارسی

کتابخانه دانشگاهی استراسبورگ: مجموعه ای از کتب فارسی از جمله مثنوی، سلسله الذهب جامی و مثنوی امیر خسرو دهلوی با مهر سلاطین تیموری در آن نگهداری می شود (بیات، ۱۳۸۹، ج ۱:

گروه دوستی پارلمانی: گروه های دوستی پارلمانی از جمله فعالیت های فرهنگی است که تسهیل کننده ی روابط سیاسی و اقتصادی و ... نیز هستند. در واقع این امر در زمره ی قدرت نرم محسوب شده و کشورهایی که این موضوع را بکار گرفتند، شاهد آثار مثبت آن در روابط فی مابین بوده اند. ایران و آلمان: دوره های پنجم، ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی: اکبر اعلمی نماینده تبریز ایران و فرانسه: دوره های پنجم، ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی: محمود محمدی نماینده آباء و بوانات

چالش های موجود بر سر روابط فرهنگی ایران و سه کشور اروپایی:

تغییر هویت ایران پس از انقلاب و توجه به ایدیولوژی اسلامی در مقابل ایدیولوژی سکولار و لیبرال غربی، شکاف هویتی و مفهومی بزرگی را میان ایران و اروپا ایجاد نموده و بنیان های ایدیولوژیک و هویتی دو طرف را در مقابل یکدیگر قرار داد..(خالوزاده، ۱۳۹۱: ص ۲۱۲-۱۸۷) علی رغم تمایلات و وجود زمینه های متعدد برای گسترش روابط ایران و اروپا، سطح روابط پس از انقلاب همیشه پر تنش و متلاطم بوده است. برای وجود این تنش ها می توان دلایل گوناگونی ذکر کرد که عمدتاً عوامل غیر فرهنگی هستند که بر مباحث و موضوعات فرهنگی سایه انداخته اند.(طارمی و مرادی، ۱۳۹۳: ص ۱۶۶-۱۳۳) زیرا در دنیای امروز، سیاستمداران حرف اول را می زنند و هر چیز تابع سیاست است.(خاتمی، ۱۳۸۸: ص ۱۲۹) یکی از مسائل مهمی که روابط اتحادیه اروپا با ایران را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است، "احترام به حقوق بشر" در ایران است. اگرچه مسئله حقوق بشر، یک مسئله داخلی است اما کشورهای اروپایی در این زمینه حساسیت زیادی به خرج می دهد. گفتگو در زمینه حقوقی بشر در ایران از نشست سران پارلمان اروپا در فویه ۲۰۰۱ در شهر نیس فرانسه آغاز شد(ایران و اتحادیه اروپا، ۱۳۹۱، ج ۲: ص ۹۵۲-۹۵۱) "حمایت از مردم فلسطین"(حیدری و همکاران، ۱۳۹۵: ص ۴۶-۹) "تداخل حوزه نفوذ در برخی از مناطق" یکی از مسائلی که بر دیپلماسی فرهنگی و مباحث فرهنگی بین ایران و اروپا تاثیر منفی گذاشته است، تداخل حوزه نفوذ طرفین می باشد به عنوان مثال حمایت ایران از شیعیان لبنان طی

دهه ۱۹۸۰ و افزایش نفوذ ایران در لبنان سبب شد این کشور به یکی از صحنه های رقابت و تقابل میان ایران و غرب درآید. (ایران و اتحادیه اروپا، ۱۳۹۱، ج ۲: ص ۹۶۴) که این موضوع بین ایران و فرانسه بیشتر محسوس بوده است. فرانسه، ایران را به عنوان رقیبی تلقی می کند که در پی خنثی ساختن اهرم نفوذ آن کشور در لبنان می باشد. فرانسه به علت پیوندهای تاریخی و عاطفی خود با لبنان، این کشور را یکی از حوزه های نفوذ سنتی خود می داند. حمایت کامل از تمامیت ارضی و حاکمیت لبنان و در همان حال تضمین امنیت مسیحیان این کشور، همواره در دستور کار فرانسه قرار داشته است. (احمدی لفورکی، ۱۳۹۰: ص ۲۹۸) "حمایت از رژیم صدام در جنگ هشت ساله میان ایران و عراق"؛ "موضوع هولوکاست" مواضع آقای احمدی نژاد در مورد هولوکاست و انتقاد از اقدامات رژیم اسرائیل، باعث گزینش بیشتر آلمان به تل آویو و حمایت های لفظی فراوان و شفاف از اسرائیل و منوط کردن بهبود روابط ایران و آلمان به اصلاح نگاه ایران به رژیم اسرائیل شده است. (احمدی لفورکی، ۱۳۹۰: ص ۲۲۱) "مسئله هسته ای ایران" یکی دیگر از مسایلی که بر روابط میان ایران و اروپا تاثیر منفی گذاشته است، موضوع پیچیده ی هسته ای بوده است، در واقع مسئله هسته ای ایران یکی از بهانه های عمده اروپا برای تعلیق و کاهش سطح روابط با ایران طی چند سال اخیر بوده است. (احمدی لفورکی، ۱۳۹۰: ص ۴۰) "بازیگران رقیب"

از نظر نگارندگان این تحقیق، کشورها تلاش خود را به کار می گیرند تا نفوذ فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و ... خود را در سایر کشورها ارتقا دهند یا حداقل در همان سطح مورد نظر حفظ کنند و از ورود آنها به منطفه نفوذشان ممانعت به عمل آورند. جمهوری اسلامی ایران نیز در این راستا دارای رقیبان جدی می باشد که به برخی از آنها اشاره می شود

آمریکا نقش کلیدی در رابطه با اتحادیه اروپا و کشورهای بزرگ و قدرتمند آن به ویژه انگلیس و فرانسه دارد (طارمی و مرادی، ۱۳۹۳: ص ۱۶۶-۱۳۳) روابط ایالات متحده با اروپا همچنان رو به گسترش است و از روابط حقوقی و پارلمانی گرفته تا مناسبات فرهنگی میان آنها را شامل می شود. اسرائیل: یکی از بازیگرانی که به شدت تلاش می کند روابط ایران و اتحادیه اروپا را در همه ی زمینه ها و از جمله مناسبات فرهنگی تحت تاثیر قرار دهد و مانع نزدیکی دولت ها و ملت های اروپایی با ایران شود؛ رژیم اسرائیل است. (ایران و اتحادیه اروپا، ۱۳۹۱، ج ۲: ص ۹۸۲-۹۸۱)

روسیه: این کشور هنوز نقش برادر بزرگتر را در مناطقی از جهان برای خود حفظ کرده است و در تعاملات خود با کشورهای اسلامی می کوشید تا روابط خوبی را که پایه گذاری کرده است، حفظ کند (کریمی ریایی، ۱۳۸۸: ص ۱۹۰-۱۷۵)

فعالیت سازمان ها و گروه های مخالف ایران و مسقر در اروپا: منافقین و گروه های ضد انقلاب در کل اروپا و از جمله ایتالیا، فعالیت گسترده دارند و حتی روزنامه مجاهد را به زبان ایتالیایی منتشر می کردند (روزی طلب و رحمانی، ۱۳۹۳: ص ۸۹)

زمینه های همکاری فرهنگی بین ایران و اروپا:

به توجه به دیدگاه ساختارگرایان و تاثیرات عمیق ساختارهای فرهنگی و به دنبال آن تامین منافع ملی چند زمینه و راهکار میتوان تصور نمود:

-تبادل دانشجویی: از شیوه های مهم برای برقراری تماس با سایر ملت ها اعزام دانشجویان متعهد، به سایر کشور ها و مهمتر از آن پذیرش دانشجو از سایر کشور ها در دانشگاه های ایران می باشد از جمله شیوه هایی که میتوان با ملت های دیگر ارتباط برقرار نموده و واقعیت ها را به آنها تفهیم کرد، حضور فعال و استفاده از کنگره ها و سمینارهای مختلف از طریق دانشجویان می باشد. در این نوع اجتماعات که از ملت های مختلف و به خصوص از برگزیدگان آن ها شرکت می کنند بهترین موقعیت و فرصت برای جمهوری اسلامی فراهم می گردد تا مذاکرات و گفت گو ها را جهت داده و موجبات نفوذ فرهنگی را فراهم نماید (محمدی و مولانا، ۱۳۸۷: ص ۶۶-۶۵)

-مدارس خارج از کشور: در حال حاضر، وزارت آموزش و پرورش در خارج از کشور حدود ۱۰۰ مدرسه عموماً در مناطقی دارد که تعداد قابل توجهی از ایرانیان در آنجا ساکنند. ایرانیان مقیم خارج از دهه ی ۱۳۶۰ به تاسیس مدارس ایرانی همت گماشتند که هدف اصلی آنها حفظ پیوند با فرهنگ ایرانی است. آنها کارکرد این مدارس را بسیار جدی در نظر می گیرند که حاصل آن تولید ادبیات برای نسل دوم و سوم ایرانیان خارج از کشور بوده است. (حاجبانی و ایرانشاهی، ۱۳۹۳: ص ۶۰)

-استفاده از ظرفیت سینمایی کشور: کامیتز، صاحب یکی از بزرگترین شرکت های فرانسوی در خصوص نقش کارگردان ایرانی در سینمای فرانسه گفت: عباس کیارستمی ما را در مقاومت در برابر آمریکایی شدن سینما یاری کرد، زیرا ما توان مالی و تکنیکی مقابله با هالیوود را نداشتیم. کیارستمی به ما آموخت که با سادگی و بدون هزینه با غول هالیوود بجنگیم. (حاجیانی و ایرانشاهی، ۱۳۹۳: ص ۹۹)

-برگزاری اعیاد و مناسبت های مهم: برگزاری اعیاد و مناسبت در کشور های اروپایی و دعوت از افراد و شخصیت های شاخص و برجسته جهت مبادلات فرهنگی می تواند در توسعه و ترویج فرهنگ ما نزد اروپاییان موثر واقع شود.

امروزه نوروژ به سبب ظرفیت های زیادی که در توسعه ارتباطات فرهنگی و اجتماعی میان ملت ها دارد و می تواند حلقه ی وصل و نقطه ی اشتراک مردمان زیادی در اروپا و اقصی نقاط جهان باشد. لذا دیپلماسی نوروژ بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته و آن را به عنوان یک ابزار موثر و پرفریت در روابط فرهنگی بین المللی به ویژه برای گرد هم آوردن ایرانیان مقیم اروپا در آورده است (رزمجو، ۱۳۹۵: ص ۱۴۹ و دهشیری، ۱۳۹۳: ص ۴۸۱)

-استفاده از ظرفیت ایرانیان مقیم اروپا: امروزه بسیاری از کشور های جهان از اتباع با نفوذ و سرمایه دار خود در خارج به عنوان پایگاهی برای اجرای مقاصد خارجی خود بهره برداری نموده و از توان و امکانات مالی، علمی و سیاسی و فرهنگی آنها در راستای نیل به اهداف مورد نظر استفاده می نمایند. درواقع ایرانیان مقیم خارج از کشور سرمایه های عظیم ما هستند. ما نمی توانیم از آنها منفک باشیم. اکثر ایرانیان خارج از کشور، ایران را دوست دارند، ما می توانیم با ایرانیان خارج از کشور به توافق هایی برسیم و بسیاری از آنها دانش و امکانات فراوانی دارند. (خاتمی، ۱۳۸۸: ص ۱۰۷) که اگر موارد فوق به صورت مستمر پیگیری و تقویت شوند؛ می توانند با صرف هزینه های کمتر به نتایج بیشتری رسید و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در جهان بهبود بخشد

۹. نتیجه گیری:

سرمایه گذاری های کلان در بحث مباحث فرهنگی و همچنین ظهور چهره های نوین قدرت فرهنگی در نقاط مختلف دنیا از شرق تا غرب عالم نشان دهنده ی اهمیت بالای امور فرهنگی ست.

امروزه می توان به جای پرداخت میلیاردها دلار در قالب برنامه های نظامی یا پروژه های سیاسی جهت پیشبرد اهداف خود، به دیپلماسی فرهنگی روی آورد و از طریق قدرت نرم با هزینه ی کمتر، دستاوردهای بیشتری بدست آورد. دیپلماسی فرهنگی میان جمهوری اسلامی ایران و سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و انگلیس علیرغم اهمیت فراوان آن، به دلیل اینکه همواره تحت الشعاع مسائل مختلفی از جمله موضوع حقوق بشر، مساله هسته ای، موضوع هولوکاست و حمایت از مردم فلسطین، حمایت از رژیم صدام در زمان جنگ هشت ساله، اتهام هایی چون حمایت از گروه های تروریستی، وجود بازیگران رقیب مانند اسرائیل و روسیه، تداخل حوزه نفوذ در برخی کشورها مانند لبنان و ... قرار گرفته است و از طرفی با ضعف های داخلی جمهوری اسلامی ایران نظیر ضعف رسانه ای و تبلیغاتی، منفعل بودن در صحنه های بین المللی، تعدد مراکز تصمیم گیری در باب مسائل فرهنگی، وجود نهادهای موازی، عدم نقشه راه مدون و روشن فرهنگی، اولویت نداشتن برنامه های فرهنگی، نگاه امنیتی به موضوع مهم گردشگری، عدم استفاده از ظرفیت های کهن تمدنی و فرهنگی، دولتی بودن فرنگ و .. مواجهه بوده است؛ نتوانسته است متناسب با ظرفیت طرفین تاثیرگذار باشد.

۱۰. منابع و ماخذ:

الف) کتاب :

۱. احمدی لفورکی، بهزاد، کتاب اروپا (۱۰)، ۱۳۹۰، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
۲. اسمیت، فلیپ؛ رایلی، الگدندر، نظریه فرهنگی، ترجمه: محسن ثلاثی، ۱۳۹۴، تهران، انتشارات علمی.
۳. امیرخانی فراهانی، فاطمه، رایزن فرهنگی و دنیای ایران شناسی، ۱۳۹۳، تهران، مرکز مطالعات فرهنگی-بین المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
۴. ایران و اتحادیه اروپا: تجارب و چشم اندازها، ۱۳۹۱، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، جلد دوم.

۵. ایزدی، جهان بخش، دیپلماسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
۶. بشیریه، حسین، نظریه های فرهنگ در قرن بیستم، ۱۳۷۹، تهران، موسسه آینده پویان.
۷. بیات، فرهاد، مناسبات و اسناد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹، جلد اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۸. جمهوری فرانسه، ۱۳۸۷، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۹. حاجیانی، ابراهیم؛ ایرانشاهی، حامد، درآمدی بر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
۱۰. حقیقی، رضا، فرهنگ و دیپلماسی در آینه دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶، تهران، انتشارات بین المللی الهدی.
۱۱. خ. دهشیری، محمدرضا، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۲. خاتمی، سید محمد، گفت و گوی تمدن ها، ۱۳۸۸، تهران، طرح نو، چاپ دوم.
۱۳. رزمجو، علی اکبر و همکاران، درآمدی بر دیپلماسی رسانه ای ایران؛ مطالعه موردی دیپلماسی رسانه ای صدا و سیما، ۱۳۹۵، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۱۴. روحی صفت، محسن و همکاران، خاطرات دیپلمات های ایرانی در اروپا، ۱۳۹۴، تهران، اداره نشر وزارت امور خارجه.
۱۵. روزی طلب، محمدحسن؛ رحمانی، محمد، تاریخ شفاهی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳، تهران، موسسه فرهنگی و هنری انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۶. ریچارد جی، لین، ژان بودریار، ترجمه: مهرداد پارسا، ۱۳۸۹، تهران رخ داد نو.
۱۷. زنگنه، حمید، اتحادیه اروپا، ۱۳۹۲، تهران، اداره نشر وزارت امور خارجه.
۱۸. سلیمانی، رضا، سیاست خارجی دولت خاتمی، دیپلماسی تنش زدایی و گفت و گوی تمدن ها، ۱۳۸۸، تهران، کویر.
۱۹. صالحی امیری، سید رضا، آسیب شناسی فرهنگی در ایران، ۱۳۹۳، تهران، ققنوس.

۲۰. صالحی امیری، سیدرضا؛ عظیمی دولت آبادی، مبانی سیاست گذاری و برنامه ریزی فرهنگی، ۱۳۹۵، تهران، ققنوس.
۲۱. صالحی امیری، مفاهیم و نظریه های فرهنگی، ۱۳۹۵، تهران، ققنوس، چاپ هفتم.
۲۲. صفا، ذبیح الله، حماسه سرای ایرانی از قدیمی ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری، ۱۳۸۳، انتشارات فردوس، چاپ سوم
۲۳. فلاح زاده، سید حسین، رضا خان و توسعه ایران، ۱۳۹۱، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۴. قربان پور، علیرضا، انگلستان، ۱۳۹۳، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۵. محمدی، منوچهر، مولانا، حمید، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی نژاد، ۱۳۸۷، تهران، دادگستر، چاپ دوم
۲۶. نقیب زاده، احمد، تاثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ دوم.

ب) نشریه :

۱. اژدری، لیلا، علی اکبر فرهنگی، سیدرضا صالحی امیری و محمد سلطانی فر، ۱۳۹۶، «مدل دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال هجدهم، شماره ۷۰، ۱۰۲-۶۷.
۲. آزاد ارمکی، تقی و نوح منوری، ۱۳۹۱، «تحلیل محتوی سیاست های فرهنگی ایران بر اساس قانون اساسی، سند سیاست های فرهنگی و برنامه پنجم توسعه»، راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره ۳، ۳۸-۷.
۳. تال، کریم، ۱۳۸۰، «روابط فرهنگی ایران و آلمان»، نامه فرهنگ، شماره ۴۰، ۱۷۵-۱۸۳.
۴. حلمی، علی محمد، ۱۳۹۰، «گفت و گو با دکتر علی محمد حلمی رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بریتانیا»، روابط فرهنگی، شماره ۱، ۱۱۳-۱۰۸.

۵. حیدری، منصور، قربی، سید محمدجواد و مجتبی محمدی، ۱۳۹۵، «سیاست خارجی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (موردکاوی چشم انداز بیست ساله ی جمهوری اسلامی ایران)»، سیاست دفاعی، شماره ۹۴، ۴۶-۹.
۶. خالوزاده، سعید، ۱۳۹۱، «موانع و چالش های فراروی روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی»، سیاست خارجی، سال بیست و ششم، شماره ۱، ۲۱۲-۱۸۷.
۷. دامن پاکی جامی، مرتضی، ۱۳۹۵، «سرزمین های دور، ارتباطات نزدیک: نگاهی به روابط فرهنگی و تمدنی ایران و اسپانیا»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۶۷، ۵۲-۱.
۸. شهریار نیسانی، شهناز و محمدحسین حیدری، ۱۳۹۴، «تاملی بر رابطه ایران و اروپا در عصر قاجار تا انقلاب مشروطه و بازتاب آن بر تعلیم و تربیت ایران»، رهیافت تاریخی، شماره ۱۱، ۹۴-۶۵.
۹. طارمی، کامران و ایرج مرادی، ۱۳۹۳، «بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپا در سه دهه اخیر»، مطالعات روابط بین الملل، شماره ۲۸، ۱۶۶-۱۳۳.
۱۰. فرزاد فرزانیان، اسدالله، ۱۳۸۶، «تاریخچه مراودات فرهنگی ایران و فرانسه»، تاریخ روابط خارجی، شماره ۳۲، ۹۲-۷۱.
۱۱. کریمی ریایی، الهه، ۱۳۸۸، «روابط فرهنگی ایران و روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۶، ۱۹۰-۱۷۵.
۱۲. کیانی، داود، ۱۳۹۲، «مثلث روابط میان ایران، آلمان و اتحادیه اروپایی»، روابط خارجی، شماره ۱۹، ۱۸۰-۱۵۱.
۱۳. مرادی، سعید، ۱۳۹۵، «تاثیرات مثبت و منفی نظامیه ها»، مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام، دوره اول، شماره ۴، ۸۹-۸۰.
۱۴. میرزایی، سونیا، ۱۳۹۳، «روابط فرهنگی ایران و آلمان از عصر صفوی تا پایان قاجار»، مطالعات تاریخ فرهنگی، سال پنجم، شماره ۲۰، ۱۲۹-۱۰۳.